

بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس و پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار

نیلوفر سالارآبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

ارزش افزوده بازار نشان دهنده ارزیابی سرمایه گذار از شرکت است و حداکثر نمودن آن هدف هر شرکتی است که به دنبال حداکثر کردن ثروت سهامداران است، زیرا با رشد قیمت سهم و افزایش ارزش بازار آن به طور عملی و واقعی به ثروت سهامداران شرکت افزوده می شود. بنابراین تغییرات ارزش افزوده بازار هر شرکت بیانگر تغییر ثروت سهامداران آن شرکت می باشد و بررسی علل و عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس و پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار است. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۶۰ شرکت پذیرفته شده طی سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه ها از روش رگرسیونی و داده های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش نشان داد که پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار تأثیر منفی و معناداری دارد و نوع اظهارنظر حسابرس بر ارزش افزوده بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی

اظهارنظر حسابرس، ارزش افزوده بازار، پیچیدگی حسابداری

۱. گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران.

مقدمه

نارضایتی از معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد منجر به ارائه پیشنهادها گوناگونی در رابطه با معیارهای جدید ارزیابی عملکرد شده است. یکی از مهم‌ترین این معیارها، ارزش افزوده بازار است. حداکثرسازی ثروت سهامدار عمده‌ترین هدف واحد تجاری است و امروزه از ارزش افزوده بازار به‌عنوان برترین شاخص ارزیابی عملکرد داخلی که شاخصی از افزایش ارزش سهامدار است یاد می‌کنند. این شاخص رابطه نزدیکی با شاخص ارزش افزوده اقتصادی دارد. ارزش افزوده بازار زمانی ایجاد می‌شود که ارزش بازار واحدهای تجاری بیش از سرمایه به کار گرفته شده در آن باشد. ارزش افزوده بازار نشان‌دهنده ارزیابی سرمایه‌گذار از شرکت است و حداکثر نمودن آن هدف هر شرکتی است که به دنبال حداکثر کردن ثروت سهامداران است، زیرا با رشد قیمت سهم و افزایش ارزش بازار آن، به‌طور عملی و واقعی به ثروت سهامداران شرکت افزوده می‌شود. بنابراین تغییرات ارزش افزوده بازار هر شرکت بیانگر تغییر ثروت سهامداران آن شرکت می‌باشد (طالب‌نیا و شجاع، ۱۳۹۰).

واژه پیچیدگی عملیات به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که منجر می‌شود روال عادی عملیات واحد تجاری دستخوش موانعی شود که تلاش‌های همه جانبه را برای مرتفع کردن این پیچیدگی می‌طلبد. به عبارتی پیچیدگی عملیات، مجموعه فعالیت‌های اضافی است که تمام افراد درگیر در موضوع باید اقدام کنند تا بتوانند روال عادی فعالیت خود را بدون وقفه و مشکلی طی نمایند. هرچه یک کسب و کار رشد کند، میزان ارتباطات و عوامل پیچیده‌کننده نیز رشد می‌کند؛ چنان‌که یک واحد گزارشگر چند ملیتی با دارا بودن پراکندگی جغرافیایی و تعداد پرسنل‌های زیاد که هر کدام از واحدها نیز تحت قوانین و مقررات یک حوزه جغرافیایی قرار دارند، به‌طور قاعده پیچیده‌تر از نانوائی مطرح شده است. لذا کسب و کارهای بزرگ، به‌طور ذاتی پیچیده‌تر هستند، چرا که تصمیم‌های مدیران، در سایه‌ی چتر عوامل پیچیده‌کننده‌تری قرار دارند. مدیران و کارکنان واحدهای پیچیده، باید مجهز به فن‌آوری و فرآیندهای کسب اطلاعات بیشتر، منطبق با محیط و نیازهای محیطی باشند. از این رو، پیچیدگی مدیریت، با پیچیدگی کسب و کار افزایش می‌یابد (چن و همکاران^۱، ۲۰۱۶). عواملی که باعث ایجاد پیچیدگی در محیط شرکت می‌شوند، باعث افزایش نااطمینانی در ارزیابی آینده واحد تجاری می‌شوند و نااطمینانی ایجادشده در محیط تجاری می‌تواند بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد که به افزایش نااطمینانی اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطا در برآورد سود توسط مدیریت منجر می‌شود و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد که با کاهش شفافیت اطلاعات عملکردهای اقتصادی نظیر ارزش افزوده بازار کاهش پیدا می‌کند.

در جهان سراسر رقابت امروز، مشخصه اقتصاد کشورهای صنعتی، شرکت‌های بزرگی هستند که سرمایه خود را از خیل عظیم سهامداران گردآوری کرده‌اند و منابع اقتصادی را در یک کشور یا در سطح بین‌المللی کنترل می‌کنند. سهامداران برای آگاهی از چگونگی اداره سرمایه‌های خود و اطمینان از صحت عمل و کارایی مدیران، می‌توانند از صورت‌های مالی حسابرسی شده به‌عنوان یکی از مهمترین ابزار اطمینان‌بخش استفاده کنند. احتمال سوگیری در تهیه و تنظیم این صورت‌های مالی توسط هیئت مدیره، سبب شده است که نیاز به حسابرسی احساس شود (جول و همکاران^۲، ۲۰۰۷). به بیان دیگر، با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که ممکن است

1 - Chen & et al

2 - Johl & et al

مدیران از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و تصمیم‌هایی بگیرند که در جهت منافع خود و عکس منافع سهامداران باشد (جنسن و مک‌کلینگ^۳، ۱۹۷۶). در این وضعیت، حسابرس مستقل با حسابرسی و اظهارنظر خود و گواهی کیفیت صورت‌های مالی برحسب اظهارنظرهای مقبول، مشروط، مردود، عدم اظهارنظر و اظهارنظر متفاوت، سهامداران را نسبت به وضعیت صورت‌های مالی آگاه می‌کند. استفاده از حسابرس مستقل برای راست آزمایی صورت‌های مالی بسیار ضروری بوده و توجه به نظرهای حسابرس که در گزارش حسابرس مستقل درج شده، برای بررسی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد به گزارش‌های مالی از بهترین و اقتصادی‌ترین روش‌های کنترل مدیریت است که بر عملکرد و ارزش شرکت تأثیر می‌گذارد. از آنجا که ارزیابی عملکرد مالی برای تصمیم‌گیری مفید است، بدین دلیل کیفیت حسابرسی (نوع اظهارنظر حسابرس) و پیچیدگی حسابداری نقش مهمی را در راستای تأمین هدف مذکور ایفا می‌کند. پیچیدگی حسابداری، نوع اظهارنظر حسابرس و ارزش افزوده بازار باید توسط معیارهایی سنجیده شوند و آن معیارها می‌توانند قدرت پیش‌گویی، تداوم و تکرارپذیری سود، میزان محافظه‌کاری و نقدینگی آن باشند. پس توجه سرمایه‌گذاران به این سه موضوع یعنی نوع اظهارنظر حسابرس، پیچیدگی حسابداری و ارزش افزوده بازار می‌تواند کمک‌های بسیاری به آن‌ها در جهت سرمایه‌گذاری مناسب باشد. بنابراین این پژوهش به این موضوع پرداخته شده است که تا چه اندازه نوع اظهارنظر حسابرس و پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است؟

مبانی نظری پژوهش

پیچیدگی حسابداری

شرکت‌های مادر برای تهیه صورت‌های مالی تلفیقی ناچار هستند که صورت‌های مالی شرکت‌های فرعی خود در را نیز در اختیار داشته باشند. بنابراین تأخیر شرکت‌های فرعی در تهیه صورت‌های مالی خود، می‌تواند منجر به تأخیر در ارائه صورت‌های مالی شرکت مادر و به تبع آن صورت‌های مالی تلفیقی می‌گردد. تهیه صورت‌های مالی تلفیقی به نوعی پیچیدگی‌های حسابداری شرکت مادر را افزایش می‌دهد. افزایش این پیچیدگی به‌طور مستقیم می‌تواند بر مدت زمان لازم برای حسابداری شرکت مادر تأثیرگذار باشد و زمان انجام حسابداری را افزایش دهد که نتیجه آن افزایش اطلاعات و کاهش دقت مدیران در پیش‌بینی سود خواهد شد (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

نوع اظهارنظر حسابرس

حسابرسی فرآیندی است منظم و باقاعده^۴ (سیستماتیک) جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها^۵ (اظهارات) با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذی‌نفع (عرب‌صالحی، ۱۳۹۰).

این تعریف از حسابرسی به‌طور عمده جامع و بسیط است و ضمن انتقال پیام اصلی که حسابرسی فرآیندی آزمونی است به آن اندازه جامعیت دارد که دربرگیرنده انواع مختلف حسابرسی برای موضوع‌های (موارد) متنوع باشد. اغلب، واژه حسابرسی با عبارات توصیفی و یا عبارات دیگری همراه است که نوع حسابرسی، موضوع حسابرسی و یا هر دو را مشخص می‌کند. برای نمونه، ما اغلب با واژه‌های حسابرسی مالی، حسابرسی سیستم‌های اطلاعاتی، حسابرسی مدیریت،

3 - Jensen & Meckling

4 - Systematic

5 - Assertion

حسابرسی عملیاتی، حسابرسی عملکرد و حسابرسی رعایت بر می‌خوریم. این واژه‌ها نماینده انواع مختلف حسابرسی است و تعریف حسابرسی که در بالا ارائه شد، تمامی آن‌ها را در بر می‌گیرد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). عبارت فرآیند منظم و با قاعده دلالت بر آن دارد که فعالیت حسابرسی براساس برنامه‌ریزی مناسب انجام می‌شود که بر مبنای آن مجموعه‌ای از شواهد مربوط جمع‌آوری و ارزیابی می‌گردد و از این طریق هدف‌های حسابرسی تحقق می‌یابد. فرآیند منظم و با قاعده هم‌چنین بدین معنی است که حسابرسی، حداقل در قسمت‌هایی از فرآیند خود، بر مبنای روش‌های علمی انجام می‌گیرد. جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد، شالوده حسابرسی است. اگرچه نوع و ماهیت شواهد و معیارهای ارزیابی می‌تواند بین پروژه‌های مختلف حسابرسی متفاوت باشد، ولی تمام حسابرسی‌ها بر محور جمع‌آوری و ارزیابی شواهد متمرکز است. موضوع مورد رسیدگی از یک سری ادعاهای (اظهارات) مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی تشکیل شده است. این ادعاها که به صراحت یا تلویحی اظهار می‌شود در چارچوب تعریف حسابداری که در بیانیه اساسی تئوری حسابداری ارائه شده است قرار می‌گیرد و «اطلاعات اقتصادی» نامیده می‌شود. در اینجا کلمه «اقتصادی» نمایانگر هرگونه شرایطی است که منجر به تصمیم‌گیری در تخصیص منابع محدود می‌شود.^۶ سیستم حسابداری (اطلاعاتی) و فرآیند حسابداری، حلقه ارتباطی بین فعالیت و وقایع اقتصادی و ادعاهای مربوط به آن‌ها است. بنابراین موضوع مورد رسیدگی دربرگیرنده سیستم حسابداری و نیز فرآیند حسابداری است (برادران حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

ارزش افزوده بازار

اصلی‌ترین هدف شرکت‌ها و مؤسسه‌های انتفاعی، کسب سود در کوتاه‌مدت و افزایش ثروت اقتصادی سهامداران در بلندمدت است. دستیابی به این هدف باید با تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صحیح در مسائل مالی به وقوع پیوندد. تصمیم‌گیری صحیح نیز، مستلزم ارزیابی عملکرد است که خود نیازمند به کارگیری معیارها و شاخص‌های مناسب می‌باشد. در این میان، معیارهای سنجش عملکرد مالی به دلیل کمی بودن، عملی بودن، عینی بودن و ملموس بودن آن نسبت به معیارهای دیگر کارآتر هستند.

یکی از مهم‌ترین معیارهای مالی، بازده سهام است و سرمایه‌گذاران همواره به دنبال راهی بودند که بتوانند این معیار را پیش‌بینی نمایند. ارزش افزوده اقتصادی نیز به‌عنوان یک شاخص مالی به‌نسبت جدید و از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد سهام در دنیا به‌شمار می‌رود. ماهیت اصلی ارزش افزوده بازار توسط ژول استرن و بنت استوارت^۷ در دهه ۱۹۷۰ پایه‌ریزی شد و در کتاب «جست‌وجو برای ارزش» به نام ایشان ثبت گردید. امروزه برنامه‌های تشویقی و پرداخت پاداش در شرکت‌های بزرگ دنیا مانند کوکاکولا، جورجیاپاسیفیک^۸، پولاوید^۹ و... بر مبنای توانایی مدیران در ایجاد ارزش افزوده بازار مثبت، بنا نهاده شده است (اندرسون^{۱۰}، ۲۰۱۲).

روش ارزش افزوده بازار اولین بار توسط استرن-استوارت^{۱۱} جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای به شرکت‌هایی که می‌خواهند سطح جبران خدمت مناسبی را برای مدیران خود تعیین کنند، ایجاد و ارائه شد. ارزش افزوده اقتصادی مفهوم

6 - Committee to Prepare a Statement of Basic Accounting Theory

7 - Jules Stern and Bennet Stewart

8 - Georgia-Pacific

9 - Polaroid

10 - Anderson

11 - Stern Stewart

جدیدی نیست. یکی از معیارهای عملکرد حسابداری، سود باقی مانده^{۱۲} می باشد که به عنوان سود عملیاتی پس از کسر مخارج سرمایه تعریف شده و ارزش افزوده بازار در واقع نسخه تغییر یافته ای از سود باقی مانده به همراه تعدیلاتی است که بر سود و سرمایه انجام می شود (اندرسون، ۲۰۱۲). طرفداران مفهوم ارزش افزوده بازار ادعا می کنند که این شاخص برترین معیار عملکرد محسوب می شود (آندریاس ویتنبرگ^{۱۳}، ۲۰۱۱)، زیرا به عنوان یک معیار ارزیابی، هزینه فرصت صاحبان و سهام و ارزش زمانی پول را در نظر گرفته و تحریف ناشی از بکارگیری اصول حسابداری را برطرف می سازد. ارزش افزوده بازار که به آن سود باقی مانده یا سود اقتصادی هم می گویند، معتقد است ارزش، زمانی ایجاد می شود که یک واحد تجاری بتواند تمامی هزینه های عملیاتی و همچنین هزینه های سرمایه خود را پوشش دهد و مبالغی نیز مازاد باقی بماند. ارزش افزوده اقتصادی یک راه حل بدیل برای نگاه به عملکرد واحد تجاری است و مقیاسی است که می توان بر مبنای آن به ارزیابی عملکرد پرداخت. ارزش افزوده اقتصادی یک مشارکت اساسی در مدیریت خلق ارزش دارد و معبری برای پیاده نمودن نظریه مدیریت مبتنی بر ارزش^{۱۴} است و در اجرا بر سیستم مدیریت مبتنی بر ارزش مرتبط است (یانگ و گو^{۱۵}، ۲۰۱۳).

هم اکنون در اکثر شرکت های بزرگ غربی که تعداد آن ها از صدها مورد تجاوز می کند. ارزش افزوده اقتصادی مبنای گزارشگری نتایج عملیات و تنظیم طرح های انگیزشی است. ارزش افزوده اقتصادی مقیاسی در جهت منافع سهام داران است و مدیران نیز با همان هدف مشمول ارزیابی و اعطا پاداش قرار می گیرند. ارزش افزوده اقتصادی یک مفهوم جدید نیست بلکه همان مفهومی است که اقتصاددانان آن را سود اقتصادی می نامیدند لیکن تا این اواخر فاقد تکنیک اندازه گیری بود. بعد از یک دوره تکوین به نسبت طولانی اندازه گیری ارزش افزوده اقتصادی توسط شرکت استرن- استوارت در سال ۱۹۸۹ آغاز گردید.

در دهه های آخر قرن بیستم میلادی در بسیاری از واحدهای تجاری ارزیابی عملکرد مدیران و تنظیم طرح های پاداش، به تغییرات سود حسابداری و سود هر سهم^{۱۶} وابسته بوده است، همچنین از سایر مقیاس های حسابداری نیز در این رابطه استفاده شده است. این مقیاس ها در سیر تکوین و تکامل خود از بازدهی حقوق صاحبان سهام^{۱۷} و بازدهی خالص دارایی ها^{۱۸} و یا بازدهی سرمایه گذاری ها^{۱۹} استفاده نموده اند. گرچه مقیاس های نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و خالص بازده دارایی ها و یا بازدهی سرمایه گذاری ها مقیاس های بهتری از سود هر سهم بوده و سود و ترازنامه را بهم مرتبط می سازد، اما این مقیاس ها هم می تواند تحریف شوند. به عنوان مثال اگر بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان یک رقم از پیش تعیین شده تعریف شود به دو شیوه می توان باعث افزایش آن شد. یکی از راه صحیح یعنی بهبود عملکرد واحد تجاری و بهبود سود از طریق افزایش کارایی و سرمایه گذاری در پروژه هایی که دارای ارزش افزوده بازار مثبت می باشند (رمضانی، ۱۳۹۰).

12 - Residual Income

13 - Andreas & Wittenberg

14 - Value Base Management

15 - Young & Goo

16 - Earnings per share

17 - Return on Equity

18 - Return on Net Assets

19 - Return on investments

پیشینه پژوهش

شفیعی نسب و احمدی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کارایی (نسبت گردش دارایی) بر ارزش افزوده بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج آزمون فرضیه متغیر نسبت گردش دارایی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با ارزش افزوده بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است.

شجاعی و احمدی (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر ارزش افزوده بازار پرداختند و نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد کیفیت گزارشگری مالی بر ارزش افزوده بازار تأثیر معنادار و مستقیمی دارد یعنی به نوعی با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ارزش افزوده بازار شرکت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

حیدرانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه اظهارنظر حسابرس و مدیریت ریسک با رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند نتایج بدست آمده نشان داد که بین اظهارنظر حسابرس و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین مدیریت ریسک و رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جهاندوست مرغوب و ویسی حصار (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل، کیفیت حسابرسی و معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها پرداختند و نتایج نشان می‌دهد بین قدرت مدیرعامل (حق‌الزحمه حسابرسی) با ارزش افزوده بازار و فرصت‌های رشد شرکت‌ها رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. اما بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی با ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، قدرت مدیرعامل بر رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی با ارزش افزوده بازار و فرصت‌های رشد شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده معناداری دارد؛ اما بر رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده معناداری ندارد. نتایج الگوهای غیرخطی بیانگر این است که بین حق‌الزحمه حسابرسی و معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین قدرت مدیرعامل با ارزش افزوده بازار و نسبت کیوتوبین شرکت‌ها رابطه غیرخطی (U شکل) معناداری وجود دارد. قدرت مدیرعامل نیز بر رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی با ارزش افزوده بازار و نسبت کیوتوبین شرکت‌ها اثر غیرخطی (U معکوس) معناداری دارد. در مورد نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها نتایج مؤید الگوهای خطی است.

اسدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌گر استراتژی کسب و کار بر رابطه بین ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها پرداختند و نتایج نشان می‌دهد ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار از طریق ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها در ابعاد مختلف، تحت تأثیر قرار گرفته و افزایش می‌یابند و استراتژی کسب و کار تأثیر مثبت و معناداری بر این رابطه دارد. همچنین هرچه استراتژی کسب و کارها تهاجمی‌تر باشد، تأثیر آن بر رابطه بین ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها بیشتر است.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه ذیل ارائه می‌گردد.

پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار تأثیر معناداری دارد.

ارزش افزوده بازار بر ارزش افزوده بازار تأثیر معناداری دارد.

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چندگانه است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است: معادله (۱).

$$MVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CA_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

معادله (۲).

$$MVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در معادله فوق به ترتیب:

MVA شاخص ارزش افزوده بازار شرکت i در سال t ؛

OP شاخص نوع اظهارنظر حسابرِس شرکت i در سال t ؛

CA شاخص پیچیدگی حسابداری شرکت i در سال t ؛

SIZE شاخص اندازه شرکت i در سال t ؛

LEV شاخص اهرم مالی شرکت i در سال t ؛

نحوه اندازه گیری متغیرها به شرح زیر است:

پیچیدگی حسابداری

تعریف مفهومی: معیار مورد استفاده برای سنجش پیچیدگی حسابداری شرکت در این تحقیق، تهیه صورتهای مالی در نظر گرفته شده تهیه صورتهای مالی تلفیقی توسط شرکت مادر به عنوان نوعی پیچیدگی در حسابداری شرکت در نظر گرفته شده است

تعریف عملیاتی: یک متغیر موهومی است و اگر شرکت صورت مالی تلفیقی تهیه کند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می پذیرد (تشکری و همکاران، ۱۳۹۴).

نوع اظهارنظر حسابرِس

تعریف مفهومی: حصول نهایی حسابرسی از یک واحد تجاری گزارشی است که حسابرسی در آن نظر حرفه ای خود را در مورد مطلوبیت صورتهای مالی ارائه می کند.

تعریف عملیاتی: متغیر موهومی و نشان دهنده نوع گزارش حسابرِس برای شرکت i در سال t است. اگر گزارش حسابرِس غیرمقبول باشد یک و در غیر این صورت صفر می باشد (کاردان و همکاران، ۱۳۹۵).

ارزش افزوده بازار

تعریف مفهومی: ارزش افزوده بازار نشان دهنده ارزیابی سرمایه گذار از شرکت است و حداکثر نمودن آن هدف هر شرکتی است که به دنبال حداکثر کردن ثروت سهامداران است، زیرا با رشد قیمت سهم و افزایش ارزش بازار آن به طور عملی و واقعی به ثروت سهامداران شرکت افزوده می شود. بنابراین تغییرات ارزش افزوده بازار هر شرکت بیانگر تغییر ثروت سهامداران آن شرکت می باشد (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۶).

تعریف عملیاتی: حاصل اختلاف بین میانگین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان سال مالی منهای میانگین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در آن در پایان دوره است.

در این خصوص ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت از حاصل جمع ارزش بازار بدهی‌های بهره‌دار شرکت با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام آن بدست می‌آید. از آنجا که ارزش بازار بدهی‌های شرکت در دسترس نبوده و همچنین از آنجا که طبق استانداردهای حسابداری بدهی‌ها باید به ارزش فعلی در صورت‌های مالی منعکس شدند، ارزش بازار بدهی‌ها معادل ارزش دفتری شان در نظر گرفته شد. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت نیز از حاصلضرب ارزش بازار هر سهم در پایان اسفند ماه هر سال در تعداد سهام شرکت محاسبه شده است (طالب‌نیا و شجاع، ۱۳۹۰).

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع علی است و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ که بالغ بر ۷۴۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۶۰ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۱). شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد سال-شرکت	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
پیچیدگی حسابداری	CA	۸۰۰	۰/۲۳۵	۰/۲۱۱	۰/۴۲۶	۰/۴۳۱	۰/۰۲۷
نوع اظهار نظر حسابرس	OP	۸۰۰	۰/۳۲۴	۰/۳۰۷	۰/۱۶۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
ارزش افزوده بازار	MVA	۸۰۰	۰/۷۲۴	۰/۳۷۷	۰/۱۸۰	۱/۰۴۱	۰/۲۱۱
اندازه شرکت	SIZE	۸۰۰	۱۱/۴۷	۱۱/۳۳	۱/۵۸۷	۱۳/۵۵	۶/۴۱۳
اهرم مالی	LEV	۸۰۰	۰/۳۵۸	۰/۳۵۱	۰/۱۱۳	۰/۵۶۴	۰/۰۴۶

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۸-۱۴۰۲) و داده‌های مقطعی ۱۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری **ایویوز** می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو و آماره F لیمر استفاده شده است.

جدول (۲). نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل اول	۱۵/۷۹۰	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود
مدل دوم	۲۰/۶۳۴	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود

همان گونه که در جدول (۲)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل اول و دوم پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چای دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چای دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرضیه H_0 مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۳). نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل اول	۳۷/۷۸۲	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۳۹/۰۲۰	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون H_0 بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد H_0 رد و

استفاده از مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش به ترتیب (۳۷/۷۸۲) و (۳۹/۰۲۰) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، لذا H_0 رد می‌شود. رد H_0 نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

بررسی فرضیه‌های پژوهش:

پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار تأثیر معناداری دارد.

مدل رگرسیونی برای فرضیه به شرح زیر است:

$$MVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CA_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۴). نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۳۷۴	۰/۱۸۰	۲/۰۷۱	۰/۰۰۰۱
پیچیدگی حسابداری	$\beta_1(CA)$	-۰/۵۶۰	۰/۱۹۵	-۲/۸۷۲	۰/۰۰۱۰
اندازه شرکت	$\beta_2(SIZE)$	۰/۱۳۶	۰/۰۴۸	۲/۷۸۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	$\beta_5(LEV)$	-۰/۱۵۳	۰/۰۴۹	-۳/۰۹۵	۰/۰۰۶۱
آماره F		۱۷/۳۰۹			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۶۶			
ضریب تعیین (R2)		۰/۷۴۹			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۷۲۱			

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون مدل اول پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۶۶) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار تأثیر منفی و معناداری دارد. بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت بر ارزش افزوده بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی بر ارزش افزوده بازار تأثیر منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

نوع اظهار نظر حسابرسان بر ارزش افزوده بازار تأثیر معناداری دارد.

مدل رگرسیونی برای فرضیه به شرح زیر است:

$$MVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۵). نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۵۲۳	۰/۲۴۰	۲/۱۷۹	۰/۰۰۰۰
نوع اظهارنظر حسابرِس	$\beta_1(OP)$	۰/۵۸۸	۰/۱۴۹	۳/۹۳۲	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	$\beta_2(SIZE)$	۰/۶۲۵	۰/۲۱۸	۲/۸۶۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	$\beta_3(LEV)$	-۰/۵۷۸	۰/۲۱۰	-۲/۷۴۴	۰/۰۰۰۱
آماره F					
سطح معناداری (Prob.)					
آماره دوربین واتسون					
ضریب تعیین (R2)					
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)					

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون مدل دوم پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۶۳) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد نوع اظهارنظر حسابرِس بر ارزش افزوده بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_2 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت بر ارزش افزوده بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_3 نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی بر ارزش افزوده بازار تأثیر منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه‌گیری کلی

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرِس و پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه نشان داد که پیچیدگی حسابداری بر ارزش افزوده بازار تأثیر منفی و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه باید بیان نمود که عواملی که باعث ایجاد پیچیدگی در محیط شرکت می‌شوند، باعث افزایش نااطمینانی در ارزیابی آینده واحد تجاری می‌شوند و نااطمینانی ایجادشده در محیط تجاری می‌تواند بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد که به افزایش نااطمینانی اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطا در برآورد سود توسط مدیریت منجر می‌شود و شفافیت

اطلاعات را کاهش می‌دهد که این مسأله به‌طور مستقیم بر تأخیر در گزارش حسابرسی تأثیر دارد و تأثیری منفی بر عملکردهای اقتصادی نظیر ارزش افزوده بازار می‌گذارد.

نوع اظهارنظر حسابرس بر ارزش افزوده بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه باید نمود که با حسابرس مستقل با حسابرسی و اظهارنظر خود و گواهی کیفیت صورت‌های مالی برحسب اظهارنظرهای مقبول، مشروط، مردود، عدم اظهارنظر و اظهارنظر متفاوت، سهامداران را نسبت به وضعیت صورت‌های مالی آگاه می‌کند. استفاده از حسابرس مستقل برای راست آزمایی صورت‌های مالی بسیار ضروری بوده و توجه به نظرهای حسابرس که در گزارش حسابرس مستقل درج شده، برای بررسی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد به گزارش‌های مالی از بهترین و اقتصادی‌ترین روش‌های کنترل مدیریت است. حسابرسی از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را که بین مدیران و سهامداران شرکت وجود دارد، کاهش می‌دهد. تصور استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، این است که حسابرس مستقل به دلیل استقلال و صلاحیت حرفه‌ای، موجب کاهش انگیزه دست‌کاری سود توسط مدیریت از طریق گزارش موارد تحریف با اهمیت می‌شود. بنابراین اظهارنظر مقبول حسابرس باعث افزایش اعتماد استفاده‌کنندگان و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی می‌گردد و این مسأله منجر به افزایش کارایی کنترل‌های داخلی در شرکت خواهد گردید و به دنبال افزایش اثربخشی کنترل‌های داخلی کارایی مدیریت ریسک توسط مدیران از طریق شناسایی رویدادهای احتمالی که بر شرکت اثرگذار است و اطمینان معقولی در رابطه با اهداف تعیین شده شرکت بهبود خواهد یافت که نتیجه آن افزایش عملکرد و ارزش افزوده بازار خواهد شد. به شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد، که با ارائه درست و صحیح از صورت‌های مالی از تعدیل شدن اظهارنظر حسابرس جلوگیری کنند تا بتوانند به راحتی و بدون نیاز به وثیقه یا هر راه دیگری تأمین مالی خود را انجام دهند و همچنین به اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود به گزارش حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرس به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد مالی و ارزش افزوده بازار شرکت‌ها و همچنین برای ارزیابی ریسک اعتباری مشتریان توجه بیشتری کنند تا از متضرر شدن خود و مشتریان جلوگیری کنند و اقدام‌های ضروری را در صورت لزوم انجام دهند.

منابع و مآخذ

- اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و مهرگان، نادر. (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ فدوی، محمدحسن و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر پیچیدگی حسابداری و شفافیت گزارشگری مالی شرکت بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرس، مجله دانش حسابرسی، ۱۴(۵۴): ۱-۲۳.
- جهانخانی، علی و پارسائیان، علی. (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت.
- جهاندوست مرغوب، مهران؛ نیکبخت، محمدرضا و ویسی حصار، ثریا. (۱۴۰۰)، قدرت مدیرعامل، کیفیت حسابرسی و معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها، مجله دانش حسابرسی، شماره ۸۵: ۴۵۴-۴۸۶.
- رهنمای رودپشتی، فریدون، (۱۳۸۶)، ارزیابی کارکرد ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار جهت ارزیابی عملکرد اقتصادی شرکت‌ها، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۷(۳).
- سرمه، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه، تهران.
- شجاعی، زینب و احمدی، محسن. (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر ارزش افزوده بازار، مجله چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵(۵۶): ۴۴-۵۷.

شفیعی نسب، عبدالله و احمدی، محسن. (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر کارایی (نسبت گردش دارایی) بر ارزش افزوده بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه کنکاش مدیریت و حسابداری، ۱۱: ۶۹-۸۵.

طالب‌نیا، قدرت‌اله و شجاع، اسماعیل. (۱۳۹۰)، رابطه بین نسبت ارزش افزوده بازار (MVA) به سود حسابداری و نسبت ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه حسابداری مدیریت، دوره ۴ (۱): ۶۰-۴۷.

کاردان، بهزاد؛ صالحی، مهدی و کلاته، حسین. (۱۳۹۵)، رابطه بین اظهارنظر حسابرس، اقلام تعهدی اختیاری و ریسک مالی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره هشتم، شماره ۳۱.

نمازی، محمد؛ حلاج، محمد و ابراهیمی، شهلا. (۱۳۸۸)، تأثیر مالکیت نهادی بر عملکرد مالی گذشته و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، مجله حسابداری دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، دوره ۱۶ (۴): ۱۱۳-۱۳۰.

نوبخت، یونس و نوبخت، مریم. (۱۴۰۰)، تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری و اقتصادی عملکرد شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری پاسخگویی و منافع جامعه، شماره ۴۱: ۲۱-۴۲.

Amrie Firmansyah, Amardianto Arham, 7 Moh. Luthfi Mahrus. (2022). Political connections, investment opportunity sets, tax avoidance: does corporate social responsibility disclosure in Indonesia have a role? Heliyon, Volume 8, Issue 8, August 2022, e10155